

A Cognitive-Semantic Analysis of the Twenty-First Part (Juz') of the Qur'an with Emphasis on the Conceptual Blending Theory

Abstract

The expansion of semantics in the contemporary era facilitated the precise examination of the expressive and stylistic subtleties of religious and literary works, emphasizing the unbreakable link between form and meaning. In this vein, the "Conceptual Blending Theory," introduced by Fauconnier and Turner in 1993, investigates how emergent meaning is formed through combinatorial and blending processes in the mind.

The current research, employing a descriptive-analytical method, scrutinized the verses of the twenty-first Juz' (part) of the Holy Quran, which contain various religious concepts such as the afterlife (Ma'ad), the destiny of the righteous and the wicked, and various human conditions. The results of the study indicated that conceptual blending is utilized to elucidate abstract and mental issues (such as human characteristics and seemingly unusual matters). A total of 38 conceptual networks were identified within this Juz', of which the "single-scope" network accounted for 28 instances, representing the highest frequency.

Keywords: Holy Quran, Twenty-first Juz', Conceptual Blending, Blending Networks.

تحلیل معنانشناسی - شناختی جزء بیست و یکم قرآن با تکیه بر نظریه تلفیق مفهومی

نویسنده^۱ | نویسنده^۲ | نویسنده^۳ | نویسنده^۴

نویسنده^۱ بابک مرادی

^۱ دانشجوی دکتری / گروه زبان و ادبیات عربی / دانشکده ادبیات و زبانها / دانشگاه اراک / اراک / ایران
(babakaliabad@gmail.com)

نویسنده^۲ احمد امیدعلی

^۲ نویسنده مسئول / دانشیار / گروه زبان و ادبیات عربی / دانشکده ادبیات و زبانها / دانشگاه اراک / اراک / ایران
(a-omidali@Araku.ac.ir)

نویسنده^۳ سید ابوالفضل سجادی

^۳ استاد ، گروه زبان و ادبیات عربی ، دانشکده ادبیات و زبانها ، دانشگاه اراک ، اراک ، ایران (a-sajady@araku.ac.ir)

نویسنده^۴ ابراهیم اناری بزچلوئی

^۴ استاد / گروه زبان و ادبیات عربی / دانشکده ادبیات و زبانها / دانشگاه اراک / اراک / ایران (i-anari@araku.ac.ir)

چکیده:

گسترش معنانشناسی در دوران معاصر، بررسی دقیق ظرافت‌های بیانی و سبکی آثار دینی و ادبی را ممکن ساخت و بر اهمیت ارتباط ناگسستنی میان صورت و معنا تأکید کرد. در همین راستا، نظریه‌ی «تلفیق مفهومی» که توسط فوکونیه و ترنر در سال ۱۹۹۳ معرفی شد، به بررسی چگونگی شکل‌گیری معنای نوظهور از طریق فرآیندهای ترکیبی و تلفیقی در ذهن می‌پردازد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، آیات جزء بیست و یکم قرآن کریم را که حاوی مفاهیم متعدد دینی نظیر معاد، سرنوشت صالحان و تبهکاران و حالات مختلف بشری است، مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان داد که از تلفیق مفهومی برای تبیین مسائل انتزاعی و ذهنی (مانند ویژگی‌های انسانی و امور به ظاهر غیرعادی) استفاده شده است. مجموعاً ۳۸ شبکه‌ی مفهومی در این جزء شناسایی شد که شبکه‌ی «تک منظر» با ۲۸ مورد، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جزء بیست و یکم، تلفیق مفهومی، شبکه‌های تلفیق

مقدمه

بیان مسأله: شناخت مفاهیم والای قرآن با آشنایی معانی واژگان آن آغاز می‌شود. قرآن دارای زبان ویژه‌ای است که درک مفاهیم اصطلاحاتش نیازمند شناخت جامع زبان‌شناسی است.

سوال اصلی اینجاست که چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های نظریه تلفیق مفهومی، که نخستین بار توسط ژیل فوکونیه و مارک ترنر در سال ۱۹۹۳ میلادی معرفی شد، ساختار جملات و کلمات دارای این نوع تلفیق معنایی در جزء بیست و یکم قرآن را شناسایی و شبکه‌های معنایی حاصل از این ساختارها را تحلیل کرد؟ هدف نهایی این است که با کشف معنای حقیقی و اصلی مستتر در پس این ساختارها، تفسیری نوین و با بیانی زیبا و دقیق‌تر از این بخش از کلام‌الله مجید به مخاطب عرضه شود و مشخص گردد که کدام موضوعات و با استفاده از کدام شبکه‌های تلفیق مفهومی در این جزء بیان شده‌اند.

از خصائص این نظریه دستیابی به ساختاری برای رسیدن به کنه معنا و درک آن است. پژوهش حاضر قصد دارد که با استفاده از آرای نظریه پردازان در حوزه تلفیق مفهومی، ساختار جملات و کلمات دارای تلفیق مفهومی در جزء ۲۱ قرآن و شبکه‌های معنایی حاصل از این ساختارها را تعیین کند تا معنای حقیقی و اصلی را کشف و با بیانی زیبا به مخاطب عرضه کند.

۱- پرسش‌های پژوهش:

پرسش نخست: کدام آیات جزء بیست و یکم قرآن کریم واجد ساختار تلفیق مفهومی اند؟

پرسش دوم: در جزء بیست و یکم قرآن کریم کدام موضوعات با استفاده از اسلوب تلفیق مفهومی بیان شده اند؟

پرسش سوم: کدام یک از انواع شبکه‌ها و ساختارهای تلفیق مفهومی در جزء بیست و یکم کاربرد بیشتری دارد؟ (۳۸ آیه مورد بررسی)

۲- فرضیه‌های پژوهش:

نزدیک به چهل آیه از آیات جزء بیست و یکم قرآن کریم دارای ساختار "تلفیق مفهومی" هستند و این ساختار به طور برجسته در سوره‌های عنکبوت، روم، لقمان، سجده و احزاب قابل مشاهده است.

فرضیه مربوط به پرسش دوم:

مهم‌ترین موضوعاتی که در جزء بیست و یکم با استفاده از اسلوب تلفیق مفهومی بیان شده‌اند، شامل: توصیف ویژگی‌های انسان، بیان روابط انسانی، امور به ظاهر غیر عادی و مفاهیم دینی چون معاد و جهاد و غیره است.

فرضیه مربوط به پرسش سوم:

در میان انواع شبکه‌های تلفیق مفهومی، شبکه تک منظر بیشترین کاربرد را در آیات جزء بیست و یکم دارد.

نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از ظرفیت‌های نظریه تلفیق مفهومی، که نخستین بار توسط ژیل فوکونیه و مارک ترنر در سال ۱۹۹۳ میلادی در حوزه معناشناسی-شناختی معرفی و تبیین گردید، به تحلیل ساختار معنایی بخشی از آیات قرآن کریم بپردازد.

هدف اصلی این مطالعه، بررسی و تشریح زیبایی‌های بلاغی و عمق معنایی نهفته در ۳۹ آیه از جزء بیست و یکم قرآن کریم است. این تحلیل با روشی توصیفی-تحلیلی انجام می‌پذیرد و تلاش می‌شود تا با شناسایی دقیق انواع شبکه‌های یکپارچه‌سازی به کار رفته در این آیات، ابعاد جدیدی از اعجاز بیانی کلام وحی از منظر نظریه مذکور آشکار گردد. محدوده پژوهش: محدوده مورد مطالعه در این تحقیق، جزء بیست و یکم قرآن است که آغاز آن از آیه ۴۶ سوره مبارکه عنکبوت بوده و پایان آن آیه ۳۰ از سوره مبارکه احزاب می‌باشد. این جزء شریف در مجموع شامل حدود ۱۷۳ آیه از کلام‌الله است که از میان آنها ۳۸ آیه به عنوان نمونه‌های اصلی برای تحلیل ساختار تلفیق مفهومی انتخاب شده‌اند.

۳- پیشینه پژوهش

مباحث معناشناسی به صورت پراکنده در آثار علمای قدیم دیده می‌شود معناشناسی-شناختی به مثابه روشی جدید در مطالعه به معنا توجه می‌کند؛ زیرا معتقد است ظهور مسائل دنیای علمی معاصر در شرایطی رخ می‌دهد که روش‌های سنتی موجود توان پاسخ درخور و رضایت‌بخش به برخی آنها را ندارد. در جریان‌های معناشناسی معاصر که به شدت متأثر از دیدگاه‌های سوسور و به طور عمده در تکمیل دیدگاه‌های او شکل گرفته‌اند شاهد عبور از فهم ارسطویی و رسیدن به یک فهم فرایندی و انعطاف پذیر از معنا و سروکار داشتن با فکر جمعی هستیم. (پاکتچی: 1387، ص ۱۰)

معناشناسی-شناختی در جستجوی ساختار مفهومی یا بازنمود دانش در ذهن و چگونگی مفهوم سازی (شکل گیری معنا) است و برای تحقق آن به مطالعه صورت ساخت‌های زبانی با هدف تبیین عملکرد ساز و کارهای ذهن می‌پردازد. در دو دهه گذشته نظریه تلفیق مفهومی تلاش کرده نواقص و خلأهای نظریه استعاره‌های مفهومی و فضاهاى ذهن را پوشش دهد در زیر به مهمترین آثار در این حوزه‌ها اشاره می‌گردد:

۱-۳- کتاب‌ها

- Gilles Fauconnier and Mark Turner, *The Way We Think*, 2002

این کتاب به عنوان جامع‌ترین و اصلی‌ترین منبع برای نظریه تلفیق مفهومی شناخته می‌شود و مبانی نظری کامل آن را تشریح می‌کند. نویسندگان در این کتاب استدلال می‌کنند که تلفیق مفهومی یک فرآیند ذهنی اساسی است که زیربنای بخش عمده‌ای از تفکر، زبان و خلاقیت انسان است.

- قائمی نیا، علیرضا، *معناشناسی شناختی قرآن کریم*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰

معناشناسی شناختی قرآن به یک معنا، تلاش برای دست یافتن به نقشه شناختی این کتاب آسمانی است. هدف نگارنده، بررسی ساختار اطلاعاتی است که پایه و اساس تعبیر قرآنی قرار گرفته‌اند. این نقشه می‌تواند به ما نشان دهد که قرآن در توصیف موقعیت‌های گوناگون، چگونه مفهوم سازی می‌کند؟

۲-۳- مقالات:

-تلفیق مفهومی؛ پیشینه و سازوکار آن، دادرسی پری ناز و بهرامی خورشید سحر و گلغام ارسلان و عامری حیات، مجله جستارهای زبانی، مهر و آبان ۹۸، شماره ۵۲

هدف از انجام این پژوهش در وهله نخست، معرفی نظریه تلفیق مفهومی، چگونگی عملکرد آن و مقایسه آن با سایر نظریه‌های رقیب است. برای نیل به این هدف، با مثال‌های متعدد زبانی و حتی غیرزبانی کفایت تبیینی تلفیق مفهومی را در بازنمایی مفاهیمی که به- هنگام مفهوم‌سازی برانگیخته می‌شوند، ارزیابی می‌کند.

-تلفیق مفهومی: مطالعه‌ی موردی واژه «نطق» در قرآن، بهرامی خورشید سحر و گلغام ارسلان و مال میر علی، مجله ذهن، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۷۶

در این پژوهش تلاش بر این است که یکی از مصادیق قوه نطق در انسان یعنی مشتقات واژه «نطق» در قرآن بررسی شود.

- بازکاوی سوره بقره بر اساس نظریه آمیختگی مفهومی مرتضی قائمی، سید مهدی مسبوق، اکرم ذوالفقاری، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال نهم - شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۱۳۹۸

این پژوهش سوره بقره را به عنوان بخشی از کتاب آسمانی برگزیده و با گزینش آیات منتخبی از آن مفهوم حقیقی و معنوی آنها را با استفاده از دیدگاه تلفیق مفهومی بیان نموده است.

۳-۳ - پایان نامه‌ها و رساله‌ها

- معنی‌شناسی شناختی در قرآن کریم با محوریت نظریه تلفیق مفهومی نمونه‌هایی از سوره انعام، محمد سعدی، حمید رضا میر حاجی، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۹۸، رساله دکتری.

در این رساله تلاش شده است که زبان‌شناسی و معناشناسی-شناختی و برخی نظریات این مکتب را معرفی کند.

- تحلیل معناشناختی مفاهیم شیطان و دنیا در قرآن کریم با رویکرد آمیختگی مفهومی، سیده خدیجه حسینی ولیکی، سیده فاطمه سلیمی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل، سال ۱۴۰۱

این پژوهش دنبال آن است که با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تلفیق به استنتاج از فضاهاى قرآن پردازد.

مطالعه‌ای دقیق بر پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه «نظریه تلفیق مفهومی» نشان می‌دهد که این تحقیقات در زمینه کاربرد این نظریه در قرآن کریم و به زبان فارسی، بسیار اندک بوده و غالباً مطالعات جامعی در این زمینه صورت پذیرفته است. فقدان یک پژوهش مستقل و نظام‌مند که به بررسی نظریه تلفیق مفهومی و شبکه‌های آن در جزء بیست و یکم قرآن کریم پردازد، به وضوح احساس می‌شود. نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال تحلیل نظریه تلفیق مفهومی و شبکه‌های آن در جزء بیست و یکم قرآن است. انتخاب این نظریه از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند در فرآیند هدایت ذهن مخاطب از صورت ظاهری آیات به معنای عمیق و ساختارهای مورد نظر الهی، بسیار راهگشا باشد و نقشی بسزا در ارائه تعبیری کامل، جامع و دقیق از مفاهیم والای قرآنی ایفا نماید. پویایی مفهوم سازی در فضاهای ذهنی، عدم منفک پنداشتن کارکردهای ذهنی و شبکه‌های تلفیق از ویژگی‌های نظریه تلفیق مفهومی هستند که در این پژوهش، برجسته خواهد شد و همین عوامل را میتوان سبب برتری نظریه تلفیق مفهومی در مقابل سایر نظریه‌های پیشین دانست.

برای شناخت عمیق‌تر و نظام‌مند نظریه تلفیق مفهومی، لازم است ریشه‌های فکری و مبانی نظری‌ای که بستر شکل‌گیری، تکوین و تکمیل این نظریه را فراهم آوردند، مورد بررسی قرار گیرند. این نظریه به صورت مجزا و در خلأ پدید نیامد، بلکه حاصل تلفیق، نقد و گسترش ایده‌هایی است که در حوزه‌های مختلف علوم شناختی، زبان‌شناسی، فلسفه ذهن و روان‌شناسی ارائه شده بودند.

در ادامه، به‌طور گذرا به مهم‌ترین این نظریه‌ها و ارتباط آن‌ها با هسته مرکزی نظریه تلفیق مفهومی اشاره خواهد شد.

۴- زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی که در دهه ی ۱۹۷۰ متولد شد. رویکردی است که به زبان به عنوان وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی می‌نگرد. اگرچه از آغاز زبان‌شناسی شناختی زمان زیادی نمی‌گذرد، اما امروزه میتوان آن را یکی از مهمترین مکاتب زبان‌شناسی دانست. زبان‌شناسی شناختی یعنی مطالعه زبان چنانکه با آنچه به عنوان ذهن بشر می‌شناسیم سازگار بوده و با زبان به گونه‌ای برخورد کند که منعکس کننده و افشاگر ذهن باشد. (Evans & Green, 2006, p.50). از سردمداران بنام این رویکرد میتوان به جورج لیکاف، رونالد لانگاکر و تالمی اشاره کرد (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۲) زبان‌شناسان دیگری چون کرافت، فوکونیه، جانسون، سویستر و ترنر نیز در رشد و بالندگی این مکتب تأثیرگذار بوده اند (راسخ مهند، ۱۳۹۳، ص ۷).

رویکرد دیگر درباره ذهن و زبان رویکرد تجربه‌گراست این رویکرد در زبان‌شناسی شناختی معتقد است که ذهن ما تجسم یافته است و زبان ما بر اساس آن تجسم شکل گرفته؛ بنابراین، برای درک زبان، باید تجربه جسمانی و تعامل حسی-حرکتی انسان با جهان را در نظر گرفت.

با دقت در آرای لیکاف و لانگاکر آشکار می‌شود که بر همین اساس آن دو، مکتب شناختی را پایه‌گذاری کردند. آنها به این نتیجه رسیده بودند که زبان‌شناسی زایشی فاقد رویکردی معنی‌بنیاد است و مطالعه صورت نتوانسته مسائل مربوط به معنا را حل کند و بنابراین در تبیین و توصیف معنا ناکارآمد است و همچنین نمی‌تواند توانایی‌های شناختی انسان را توصیف کند. (رک: همان: ۲۴) مکتب لیکاف با شناسایی استعاره به عنوان یک سازوکار شناختی محوری مبتنی بر نگاشت دامنه، سنگ بنای نظری را فراهم کرد و سؤالاتی را در مورد نحوه عملکرد این نگاشت‌ها در سطح عمیق‌تر ایجاد نمود که پاسخ آن در نهایت به نظریه جامع‌تر و پویاتر تلفیق مفهومی منجر شد.

۵- استعاره مفهومی:

یکی از مشخصه‌های مهم معنی‌شناسی شناختی، نقش محوری استعاره در زبان و تفکر است. نظریه استعاره مفهومی توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰-۱۹۹۹) مطرح شد. (Saeed, 2016, p.371)

لیکاف و جانسون در اثر خود با عنوان استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم^۱ شواهدی از عبارتهای زبانی رایج روزمره ارائه دادند که نشان می‌داد بین حوزه‌های مفهومی موجود در ذهن بشر روابط استعاری یا نگاشت برقرار است استعاره‌های مفهومی متشکل از مجموعه‌هایی از تناظرها یا نگاشت‌های منظم میان دو حوزه تجربه هستند و معنا هر عبارت استعاری خاص که در یک استعاره

تعبیر سکاری در این آیه غیر عادی به نظر می‌رسد و مفسران در تعیین مراد از سکاری مشکل دارند المیزان در تفسیر آیه به این نکته اشاره کرده است که نفی سکاری بعد از اثبات آن بر این امر دلالت دارد که مراد از سکر آنان زایل شدن عقول و افتاد نشان در مهبط دهشت و بهت است و این امر معلول شرب خمر نیست بلکه معلول شدت عذاب الهی است (طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۳۸) پیداست که آیه دو فضای متفاوت در بر دارد مشکل در صورتی پیدا می‌شود که آیه را دارای یک فضا به حساب بیاوریم به عبارت دیگر عبارت قرآنی نمی‌خواهد در آن واحد یک چیز معین را اثبات و سلب کند تا تناقضی در مدلول آیه پیدا شود بلکه مراد آیه این است که آنها سکاری نیستند و سکاری به نظر می‌آیند ذهن مفسران از این جهت سراغ سکاری به معنای مست از شراب رفته است که معنای اصطلاحی کلمه را در نظر گرفته اند در صورتی که سکران که سکاری از آن گرفته شده است به معنای فقدان آگاهی و هوش است و فرقی نمی‌کند که این حالت از چه سببی ناشی شده باشد این عدم هوش موجب می‌شود که شخص تعادل خودش را از دست بدهد در قیامت هم از شدت عذاب و حوادث چنین حالتی به انسان‌ها دست خواهد داد. (قائمی نیا: ۱۴۰۲، ۴۶۵)

این نظریه سنگ بنا و مبنای نظریه تلفیق مفهومی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد:

۷- تلفیق مفهومی

یکی از دستاوردهای مهم نظریه فضاهای ذهنی کشف ساختار شبکه‌های تلفیق مفهومی است. فوکونیه و ترنر در مقاله‌ای با عنوان «فضاهای ذهنی: شبکه مفهومی تلفیقی» در سال ۱۹۹۸ میلادی به تحلیل ساختار این شبکه‌ها و بررسی قواعد حاکم بر آنها پرداختند فضاهای تلفیقی یا به تعبیر دیگر تلفیق مفهومی برآیند دو نظریه دیگر در زبان‌شناسی شناختی است که عبارتند از فضاهای ذهنی و استعاره مفهومی (قائمی نیا: ۱۴۰۲، ص ۴۸۳)

مطالعه و بررسی نظام‌مند تلفیق مفهومی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۳ میلادی توسط ژیل فونوکیه و مارک ترنر آغاز گردید. در این نظریه، برای تحلیل هر مورد تلفیق، می‌توان یک شبکه تلفیق مفهومی ترسیم کرد. این شبکه به‌طور معمول و در غالب موارد از چهار فضای ذهنی مرتبط به شرح زیر تشکیل شده است:

دو فضای درون‌داد که مفاهیم اولیه را در بر دارند

فضای عام: که حاوی ساختار یا طرح‌واره مشترک میان دو فضای درون‌داد است

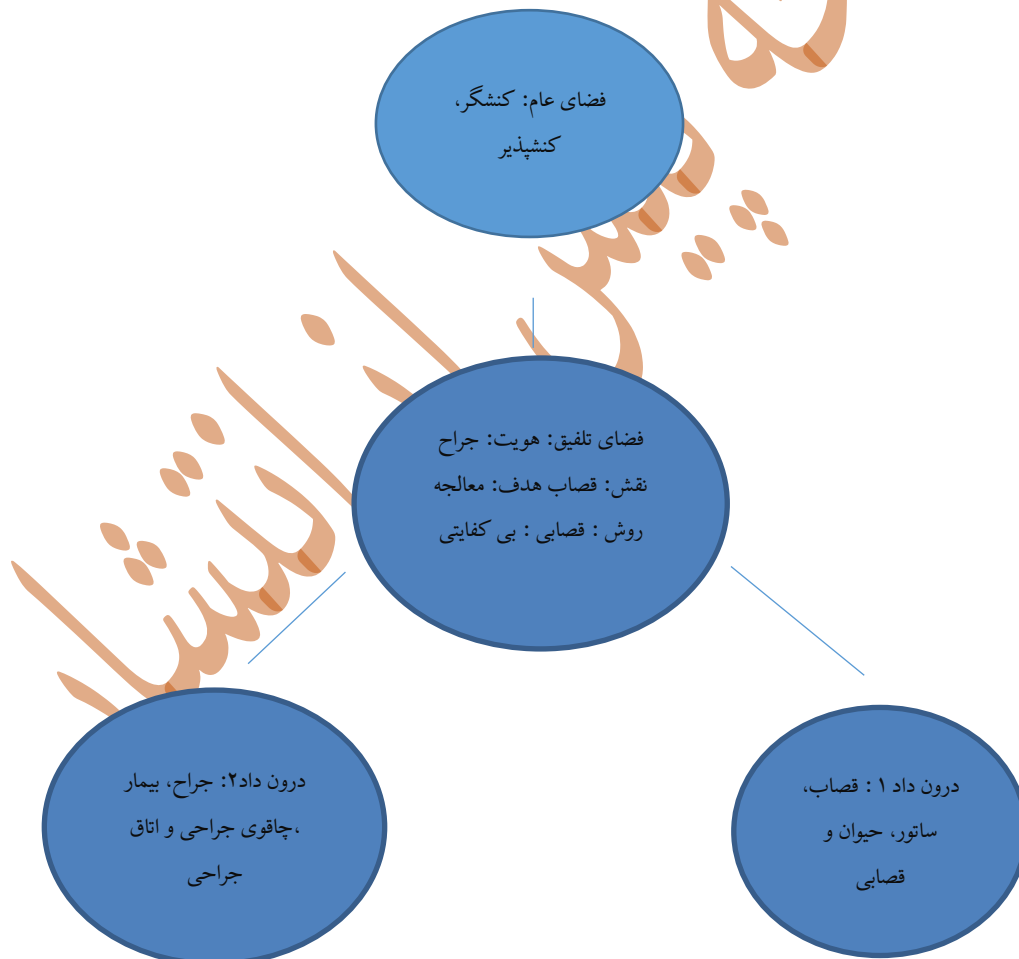
فضای تلفیقی: که از طریق فرآیند فرافکنی انتخابی عناصر و روابط فضاهای درون‌داد شکل می‌گیرد. ارتباطات میان این فضاها، از جمله روابط درون‌فضایی و بین‌فضایی، حفظ می‌گردد و همین امر موجب تأثیر متقابل و پویای آنها بر یکدیگر می‌شود.

(Evans & Green, 2003, p. 59)

الک وکولسن معتقدند فرافکنی ساختارها به فضای تلفیقی به صورت انتخابی صورت می‌گیرد. بر این اساس بعضی از ساختارهای موجود در فضاهای درون‌دادهای به فضای تلفیقی فرافکنده نمی‌شوند و این فرافکنی به صورت نسبی صورت می‌گیرد. ویژگی خاص نظریه تلفیق آن است که مفهوم تلفیق را به عنوان فرایندی لحظه‌ای معرفی می‌کند که امکان تشکیل ساختارهای نوظهور متفاوت ولی متناسب با عبارت‌های خاص را فراهم می‌کند. این خصوصیت در مورد استعاره‌ها و مجازهایی که جنبه قراردادی و کلیشه‌ای دارند، چندان آشکار نمی‌شود اما در تجزیه و تحلیل استعاره‌ها و مجازهای جدید مؤثر به نظر می‌رسد.

چکیده نظریه تلفیق مفهومی عبارت است از ایجاد ارتباط نسبی بین دو فضای ذهنی درون‌داد فرافکنی به صورت انتخابی از آن فضاهای درون داد به یک فضای ذهنی تلفیقی جدید که سپس به صورت پویا، ساختاری پیدایشی و وجوه معنایی جدید را تولید می‌کند: یعنی اطلاعاتی که در هیچ یک از فضاهای درون‌داد وجود ندارد (ایوانز و گرین: ۲۰۰۶، ص ۴۰۳)

فوکونیه و ترنر به این نتیجه رسیدند که در مواردی نظریه استعاره مفهومی نمی‌تواند به طور کامل و دقیق فرایندهای درکی صورت گرفته در ذهن مخاطب را توضیح دهد. به این جمله توجه نمایید: «آن جراح قصاب است»؛ این جمله مثال معروفی است که ایوانز و گرین در توضیح این مطلب به کار برده اند که در آن از نظر استعاری دو حوزه مفهومی جراح و قصاب وجود دارد، اما هدف صرفاً رساندن حوزه مقصد یعنی قصاب براساس حوزه مبدأ یعنی جراح نیست. هدف گوینده رساندن این مطلب است که جراح مورد نظر بی‌کفایت است که این بی‌کفایتی در هیچ یک از حوزه‌های مبدأ و مقصد وجود ندارد و اگر بخواهیم این جمله را از طریق استعاره تحلیل کنیم نمی‌توان مضمون منفی را، که از جمله برداشت می‌شود توجیه کرد. فوکونیه و ترنر برای توضیح این موضوع که ویژگی بی‌کفایتی از کجا نشأت می‌گیرد نظریه تلفیق مفهومی را مطرح کردند و به ساختاری به نام ساختار پیدایشی قائل شدند که از ادغام دو فضای جراح و قصاب شکل می‌گیرد. بدین وسیله بی‌کفایتی و عدم صالحیت جراح را، با اینکه از ویژگی‌های هیچ یک از فضاها درونداد نیست، میتوان توجیه کرد. تفاوت اصلی نظریه تلفیق مفهومی با استعاره مفهومی نیز در ساختار پیدایشی وجوه معنایی جدید در (فضای تلفیقی) است. نمودار مربوط به شبکه تلفیقی جمله «آن جراح یک قصاب است» را به (Evans& Green,2006,p.406) صورت شکل زیر ارائه داده اند.



۸- انواع شبکه‌های تلفیق مفهومی

یکی از مفهوم‌هایی که فوکونیه و ترنر (۱۹۹۸ و ۲۰۰۲) بر آن تأکید داشتند بیان این عقیده بود که شبکه‌های یکپارچه‌سازی، انواع مختلفی دارند که به صورت زنجیره‌های مرتبط با هم وجود دارند

(Evans& Green,2005,p.426)

اظهار می‌دارند که براساس دیدگاه فوکونیه و ترنر به طور کلی شبکه‌های یکپارچه‌سازی به چهار صورت مختلف وجود دارند و بنابراین براساس این تقسیم بندی چهار نوع تلفیق: بسیط، آینه‌ای، تک منظر و دومنظر وجود دارد. در این قسمت به انواع شبکه‌های یکپارچه‌سازی پرداخته می‌شود:

۱-۸- شبکه‌های بسیط و آینه‌ای

ساده‌ترین گونه شبکه‌های یکپارچه‌سازی شامل دو درونداد است که چارچوب یکی از درونداده نقشها و دیگری ارزشها را دربر می‌گیرد. چیزی که سبب ایجاد این شبکه یکپارچه‌سازی می‌شود، شکل‌گیری ساختاری تلفیقی است که در هیچ یک از دروندادها دیده نمی‌شود. به اعتقاد فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲، ۲۴۴) ویژگی خاص شبکه‌های آینه‌ای این است که فضاهای درونداده موجود در شبکه، چارچوبی یکسان دارند که در فضای تلفیق نیز منعکس می‌شود. (بیات: ۱۴۰۳، معناسناسی حالات اخروی صالحان و گنهکاران، ص ۷۹)

مثال قرآنی از جزء بیست و دوم برای شبکه بسیط:

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، [ولی] انسان آن را برداشت؛ راستی او ستمگری نادان بود. (احزاب ۷۲)

فضای عام: مفهوم انتزاعی مشترک «تحمل کردن»، «پذیرفتن یک تعهد یا بار سنگین»، «توانایی انجام یک کار»، «نتیجه (موفقیت یا شکست).

دورن‌داد اول: سنگینی مادی، توانایی/ ناتوانی فیزیکی.

دورن‌داد دوم: عرضه کردن، پذیرش/عدم پذیرش، انسان، آسمانها، زمین، پاداش/مجازات.

فضای تلفیقی: فضایی که در آن مسئولیت الهی (امانت) دارای ویژگی‌های یک بار فیزیکی (سنگینی، قابلیت حمل توسط دوش، توانایی یا عدم توانایی موجودات) می‌شود. در اینجا، آسمانها و زمین هراس (اشفقن) دارند، صفتی که معمولاً به موجودات ذی‌شعور نسبت داده می‌شود.

چرا شبکه این آیه از نوع شبکه بسیط است؟

این مثال یک شبکه بسیط است زیرا: ۱- انتقال نقش به جای ساختار کامل: فضای ورودی فیزیکی (حمل بار) ساختار کامل خود را به فضای تلفیق منتقل نمی‌کند. منظور از «حمل امانت» این نیست که خداوند یک شیء مادی به آسمانها داده و آنها آن را با دست یا دوش فیزیکی حمل کرده‌اند.

۲- یک سویه بودن غلبه ساختار: ساختار فضای انتزاعی (مسئولیت معنوی) بر فضای فیزیکی غلبه دارد. ویژگی‌های مادی «حمل» صرفاً برای ملموس کردن و تأکید بر عظمت و سنگینی معنوی امانت استفاده شده‌اند.

۳- حفظ ماهیت اصلی: امانت در فضای تلفیق همچنان یک مفهوم معنوی (مانند ولایت الهی یا عقل و اختیار) باقی می‌ماند، نه یک جسم مادی. تنها نقش "بار بودن" و "سنگینی" از فضای فیزیکی به آن منتقل شده است تا اهمیت موضوع درک شود.

۲-۸- شبکه‌های تک منظر و شبکه‌های دو منظر

در حالی که در شبکه‌های یکپارچه سازی بسیط فقط یکی از دروندادها چارچوب دارد و در شبکه یکپارچه سازی آینه ای دو درونداد چارچوبی یکسان و مشترك دارند. در شبکه های یکپارچه سازی تک منظر هر درونداد چارچوب مخصوص به خود دارد، اما فقط چارچوب یکی از دروندادها فضاي تلفیقي را می‌سازد. در شبکه‌های یکپارچه سازی دومنظر مانند شبکه‌های یکپارچه سازی تک منظر هر دو درونداد چارچوب جداگانه ای دارند اما وجه تمایز این دو در این است که در شبکه‌های یکپارچه‌سازی تک منظر تنها چارچوب یکی از دروندادها در ساخت تلفیق به کار می‌رود؛ در حالی که در شبکه‌های یکپارچه‌سازی دومنظر، تلفیق به وسیله ساختارهای موجود در هر دو چارچوب موجود در دروندادها ساخته می‌شود. یکی از نکات مهم در این نوع شبکه‌ها این است که گاهی تلفیق تشکیل شده دارای ساختارهایی از دروندادهاست که با هم جور نیستند و حتی گاهی دارای تضاد نیز هستند. و این ویژگی شبکه های یکپارچه سازی دومنظر را، نسبت به دیگر شبکه‌ها برجسته و قابل توجه می‌کند، چون این نوع شبکه‌های یکپارچه سازی به مفاهیمی تازه و در خور توجه منتهی می‌شوند. اما همیشه نیز این ویژگی در تلفیق ساخته شده دیده نمی‌شود. (فوکونیه و ترنر: ۲۰۰۲، ص ۴۸)

برای توضیح بیشتر و تبیین دقیق‌تر تفاوت‌های شبکه‌های تلفیق مفهومی، در زیر نموداری طراحی شده است. شایان ذکر است که توضیحات مفصل و مثال‌های قرآنی مندرج در این نمودار، در متن اصلی مقاله به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

پایگاه نشر دانش

نوع شبکه	ویژگی اصلی	الگو سازمان دهنده	مثال قرآنی
بسیط (Simplex)	یک فضای ورودی فقط شامل عناصر است و دیگری شامل الگو/ساختار است. ساختار از فضای الگو به فضای تلفیق منتقل می‌شود.	متفاوت: یکی الگو (Frame) دارد، دیگری فقط عناصر (Elements).	آیه ۷۲ سوره مبارکه احزاب
تک منظر (Single-Scope)	الگوهای سازمان‌دهنده فضاهای ورودی متفاوت است، و فضای تلفیق فقط الگوی یکی از آنها را به ارث می‌برد.	متفاوت: فقط یکی غالب است.	آیه ۳۶-۳۷ سوره مبارکه روم
دو منظر (Double-Scope)	الگوهای سازمان‌دهنده فضاهای ورودی متفاوت هستند، اما فضای تلفیق بخش‌هایی حیاتی از الگوهای هر دو را به ارث می‌برد. این نوع تلفیق بسیار خلاقانه است و می‌تواند تضادها را حل کند.	متفاوت: هر دو در فضای تلفیق، ترکیب می‌شوند.	آیه ۵۴ سوره مبارکه روم
آینه‌ای (Mirror)	هر دو فضای ورودی و فضای تلفیق، الگوی سازمان‌دهنده مشترکی دارند.	یکسان و مشترک در تمام فضاها.	آیه ۶ سوره مبارکه احزاب

۹- تلفیق مفهومی در جزء بیست و یکم قرآن

پس از بررسی و تحلیل تفصیلی آیات جزء بیست و یکم قرآن کریم، مشخص گردید که تعداد ۳۸ آیه از این جزء قابلیت بررسی با رویکرد نظریه تلفیق مفهومی را دارا می‌باشند. نتایج حاصل از این تحلیل، انواع شبکه‌های تلفیق را به شرح زیر نشان می‌دهد:

۲۸ مورد شبکه تک‌منظر شامل: آیات ۶، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ۵۳، ۵۴ از سوره روم

آیات ۶، ۷، ۲۲، ۲۳ از سوره لقمان - آیات ۱۹، ۲۴، ۲۵ از سوره احزاب - آیات ۴۸، ۵۷، ۶۴، ۶۶، ۶۹ از سوره عنکبوت و آیات ۱۱ و ۱۲ از سوره سجده.

۸ مورد شبکه دو منظر شامل: آیات ۶۴، ۶۵ از سوره عنکبوت - آیات ۱۵، ۳۱، ۳۲ از سوره لقمان - آیات ۱۰، ۱۳ از سوره سجده و آیه ۶ از سوره احزاب.

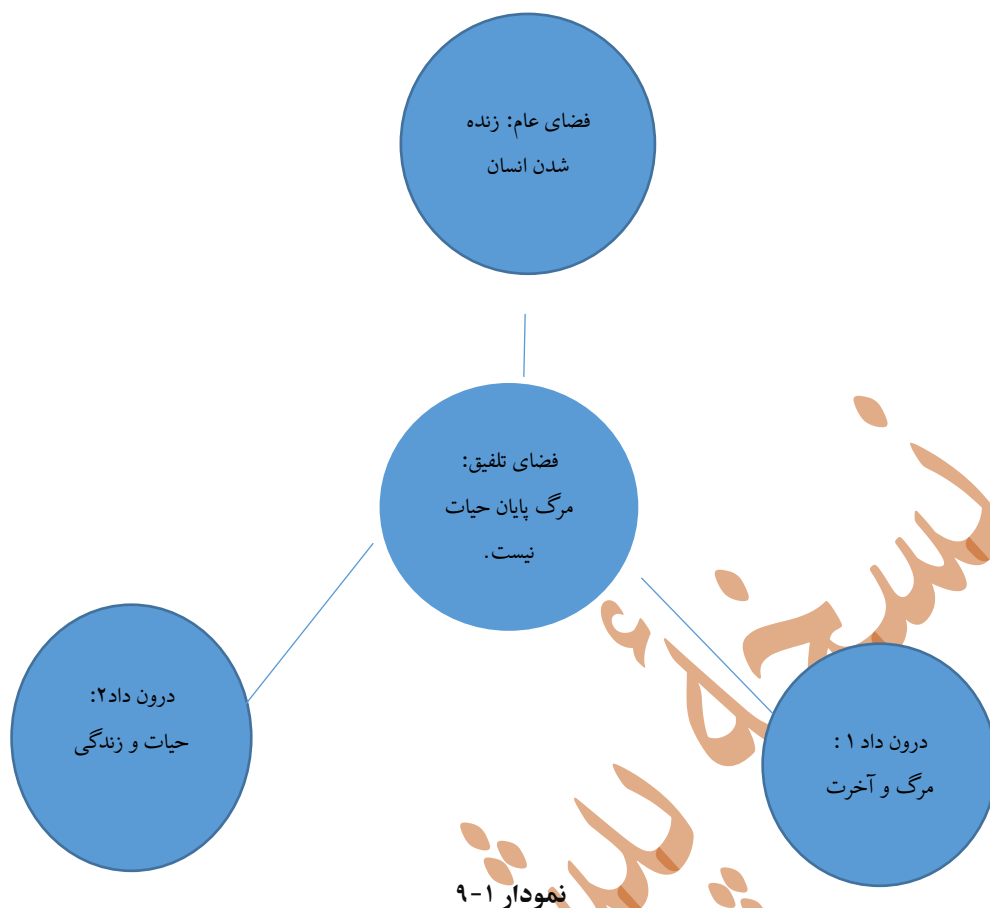
۲ مورد شبکه آینه‌ای شامل: آیه ۶ از سوره احزاب و آیه ۲۳ از سوره لقمان. شبکه بسیط یافت نشد. نگارنده در میان ۳۸ آیه مورد بررسی، ابتدا اقدام به موضوع‌بندی آن‌ها کرده است. سپس، آیاتی را که ارتباط مستقیم با موضوع مورد بحث داشته‌اند، به‌عنوان نمونه‌های منتخب ذکر و تحلیل کرده است. در ادامه به مهتم‌ترین موضوعات تلفیق مفهومی و شبکه‌های آن اشاره خواهد شد:

۱-۹- در بیان توصیف امور به ظاهر عادی

گاهی در قرآن تعابیری به ظاهر غیر عادی و تناقض آمیز مشاهده می‌شود که با واقعیت‌های هستی‌آطوری که ما با آن آشنا هستیم تناسب ندارد. این گونه تعابیر در قرآن به معنای خیال انگیز بودن یا عدم صحت آنها نیست و قرآن قصد ندارد خواننده را به امری وهمی و خیالی هدایت کند، بلکه هدف قرآن بیان حقیقتی است که در عالم ماورائی درک می‌شود، برای تحلیل این گونه آیات می‌توان از تلفیق مفهومی استفاده کرد.

«وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَجُنُودٍ يُطَهَّرُونَ / خُرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ / وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (روم، ۱۸-۲۰)؛ ترجمه: «و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نيمروز می‌رسيد / زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد و بدین گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید / و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید پس بناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید».

با مشاهده این آیات در ذهن خواننده این سوال ایجاد می‌شود که چگونه ممکن است کسی که مرده و مرگ را تجربه کرده دوباره زنده شود، زیرا تلفیق مرگ و زندگی با این سبک طبق قواعد هستی غیر ممکن است. برای شرح چنین مقوله‌ای باید از نظریه تلفیق مفهومی استفاده کرد. زیرا مقصود از حیات و زنده شدن در اینجا با مفهوم زنده شدن دنیوی فرق می‌کند و مقصود زنده شدن اخروی و زندگی در جهان آخرت مد نظر است. در اینجا دو فضای درونداد قرار دارد، یک فضای واقعی که در آن انسان مرده است و حیات او پایان پذیرفته است و اثری از حیات در او نیست و دیگری فضایی ذهنی است که در آن حیات مجدد به او باز می‌گردد و آنچه مرده است در واقع مرگ ابدی ندارد بلکه با حیات دیگر مواجه است. تلفیق این دو فضا باعث ایجاد فضای ذهنی دیگر است که در آن مرگ پایان حیات نیست. اما نه آن حیات دنیوی و بازگشت به دنیا برای ادامه زندگی یا زندگی کردن طبق روال پیشین. با این آمیختگی مفهوم حیات در فضای سوم ایجاد شده و مخاطب به خوبی می‌داند که معنای این حیات متفاوت است و در واقع مقصود حیاتی بزرگ و روحانی است. در این آیات بازگشت حیات به بدن ناشی از تلفیق میان مرگ و حیات سبب شکل‌گیری فضای تلفیقی شده است که در آن عنصر مرگ و آخرت از فضای درونداد اول و عنصر حیات و زندگی از فضای درونداد دوم فراقنی شده است. در واقع با بازخوانی مفهوم حیات و مرگ در قرآن این مفهوم به شکل نوظهوری تجلی پیدا کرده و در یک فضای آمیخته و تلفیقی برای خواننده تبیین شده است. بنابراین مردگان به گونه‌ای تداعی می‌شوند که زنده‌اند در حالی که با مفهوم زندگی مادی فرق دارند.



۹-۱-۱ شبکه تلفیقی تک منظر

در این نمونه، دو فضای درونداد هر یک دارای چارچوب مفهومی مستقلی اند؛ به گونه‌ای که چارچوب یکی از دروندادها ناظر بر مرگ و جهان آخرت است و چارچوب درونداد دیگر به حیات و زندگی دنیوی تعلق دارد. با این حال، در فرآیند شکل‌گیری فضای تلفیقی، تنها یکی از این چارچوب‌ها نقش سازمان‌دهنده را ایفا می‌کند و چارچوب دیگر صرفاً به‌عنوان منبع تأمین عناصر مفهومی عمل می‌نماید. از این رو، هرچند هر دو فضای درونداد از نظر مفهومی فعال‌اند، اما همه چارچوب‌های آن‌ها در ساخت تلفیق به کار گرفته نمی‌شود. بر همین اساس، شبکه مفهومی حاصل را می‌توان در زمره شبکه‌های تک‌منظر در نظریه تلفیق مفهومی به شمار آورد.

۹-۲- در بیان اعتقادات باطل مشرکان

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ / قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ / وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ / وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ / فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (سوره سجده، ۱۰-۱۴). ترجمه: «و گفتند آیا وقتی در [دل] زمین گم شدیم آیا [باز] ما در خلقت جدیدی

خواهیم بود [نه] بلکه آنها به لقای پروردگارشان [و حضور او] کافرند / بگو فرشته مرگی که بر شما گمارده شده جاتان را می ستاند آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده می شوید. و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان را به زیر افکنده اند می دیدی [که می گویند] پروردگارا دیدیم و شنیدیم ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم چرا که ما یقین داریم / و اگر می خواستیم حتما به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می دادیم لیکن سخن من محق ق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند / پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید ما [نیز] فراموشتان کردیم و به [سزای] آنچه انجام می دادید عذاب جاودان را بچشید».

در آیات مذکور ابتدا فضای ذهنی کافران آمده است که آنها به حیات جدید اعتقاد ندارند و به دیدار با پروردگار در آخرین ایمان ندارند. در این فضا کافران بدون اینکه به جهنم و بهشت و مجازات و پاداش الهی اعتقاد داشته باشند ترسی از مرگ ندارند و مرگ برای آنها سرنوشت وحشتناکی به ارمغان ندارد. در فضای دوم همین افراد به قدرت و نتیجه اعمال خود آگاه شدند و سراسیمه و سر به زیر در مقابل پروردگار کرنش می کنند و از سرنوشتی که در انتظار آنها است آگاهی پیدا کردند. بخاطر عقاید باطلشان آنها به جهنم روانه می شوند. خداوند برای اثبات اشتباه کافران به سرای آخرین فضایی متقابل با فضای ذهنی کافران به صورت تصویری قرار می - دهد که با انطباق دو فضا و سرنوشت محتمل تبهکاران پنداشت غلط باورهای آنها محقق می شود. بنابراین با نامحقق شدن فضای درون داد اول فضای درون داد اول نقض می شود و معنای جدیدی در فضای تلیقی وارد می شود و آن عدم صحت پندار و افکار کافران است. این گونه دلایل در قرآن با استفاده از فضای تلیقی و استدلالی نشان داده شده است و خداوند از بعد تصویری و ملموس کردن و استفاده از عناصر عینی و استفاده از کلمات تأکید بر درستی باور خود پافشار می کند. شاکله کلی این فضای تلیقی شامل موارد زیر است:

فضای عام: باطل بودن پندار کافران

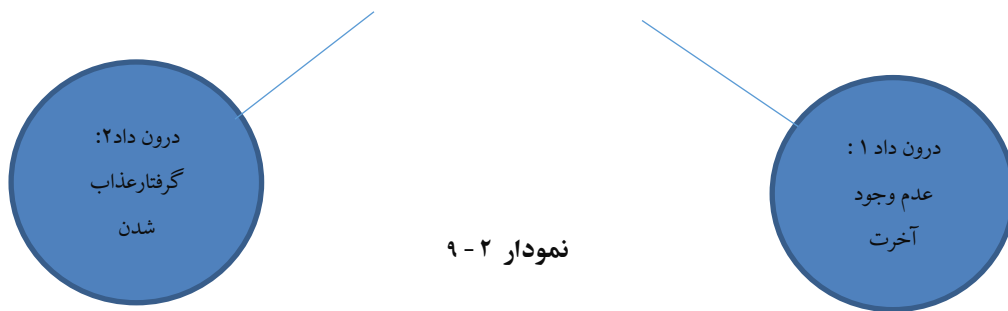
فضای درون داد اول: باور کافران مبنی بر عدم وجود رای آخرت

فضای درون داد دوم: وجود سرای آخرت و دچار شدن کافران به عذاب الهی

فضای تلیقی: کافران از دیدن آنچه در انتظار آنها است بر باطل بودن عقاید خود پی بردند و به سرنوشت ناگوار جهنم دچار شدند.

فضای عام: باطل
بودن پندار کافران

فضای تلیقی: پی
بردن به عقاید باطل



۹-۲-۱ شبکه تلفیقی تک منظر

در این نمونه دو فضای درونداد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از دروندادها مربوط به عدم وجود آخرت و چارچوب درونداد دیگر، گرفتار عذاب شدن است) دارند؛ اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار نرفته‌اند. این دو آیه صرفاً یک مقایسه رفتاری درون یک موضوع واحد (زندگی و معیشت انسان) را ارائه می‌دهند و پیچیدگی شبکه‌های دومنظر یا آینه‌ای را ندارند پس این تلفیق، تلفیقی تک منظر است.

۹-۳- توصیف حالات انسان

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (سوره روم، ۳۶-۳۷) و چون مردم را رحمتی بچشانیم بدان شاد می‌گردند و چون به [سزای] آنچه دستاورد گذشته آنان است صدمه‌ای به ایشان برسد بناگاه نومید می‌شوند «(۳۶)» آیا ندانسته‌اند که [این] خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می‌گرداند قطعا در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند عبرت‌هاست «(۳۷)».

در این آیات شریفه، فضای ذهنی حاکم بر عدم درک صحیح وقایع و رویدادها، و نیز ناسپاسی انسان است.

برای ترسیم شبکه ذهنی ایجاد شده، دو فضای ورودی (درونداد) به کار رفته است:

درونداد اول: فضای شادی و سرور پس از کسب یک دستاورد یا وصول رحمت الهی

درونداد دوم: فضای ناامیدی و ناسپاسی پس از عدم کسب دستاورد یا بروز شقاوت

فضای سومی که از تلفیق این دو فضا حاصل می‌گردد، در واقع بیانگر فراموش کردن عبرت امور و عدم آگاهی از کنه تحولات هستی است. این فضای تلفیقی با هدف تنبّه مخاطب جهت درک صحیح تحولات عالم وجود به کار رفته است. خداوند متعال از این فضای تلفیقی برای نشان دادن حالات متضاد و مختلفی که برای انسان رخ می‌دهد، بهره گرفته است. به بیان دیگر، شرح فضاها در این صحنه بدین شکل قابل ارائه است:

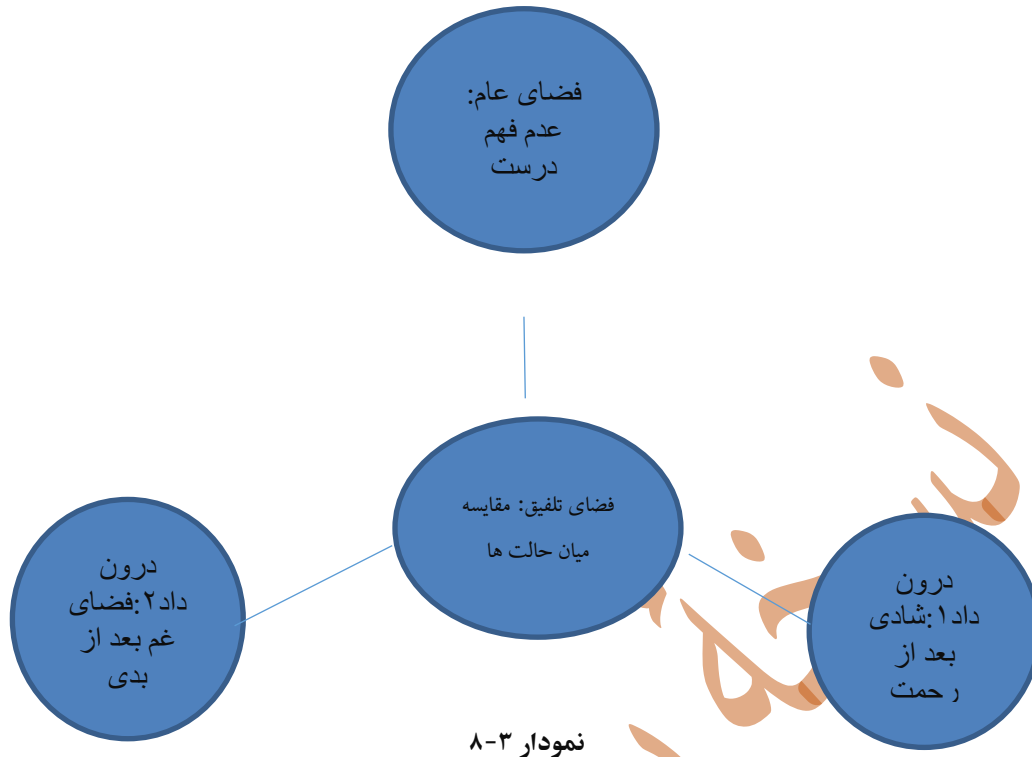
فضای عام: عدم فهم درست وقایع و رویدادها

فضای درون داد اول: فضای شادی و سرور بعد از رحمت

فضای درون داد دوم: فضای غم و ناامیدی بعد از روی دادن بدی

فضای تلفیقی: عبرت‌گیری از کارها و درک دست آنها

بنابراین خداوند با تکیه بر فضای تلفیقی و مقایسه میان حالت‌ها مخاطب را متنبّه می‌سازد و امکان درک درست وقایع را به او می‌دهد.



۱-۳-۹ شبکه تلفیقی تک منظر

در این نمونه دو فضای درونداد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از دروندادها مربوط به شادی بعد رحمت و چارچوب درونداد غم بعد از بدی است) دارند و هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار نرفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی تک منظر است.

۴-۸- در بیان آفرینش انسان‌ها و موجودات

خداوند بر بیان آفرینش انسان و موجودات از تلفیق مفهومی بهره گرفته است. زیرا در ذیل بیان چنین مفاهیمی روابطی از معانی متناقض و متفاوت را در مقابل هم قرار داده و به تبیین آن پرداخته است. از جمله موارد کاربرد این مفهوم آیه زیر از سوره روم است که خداوند می‌فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ. خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید آنگاه پس از ناتوانی قوت بخشید سپس بعد از قوت ناتوانی و پیری داد هر چه بخواهد می‌آفریند و هموست دانای توانا (روم، ۵۴).

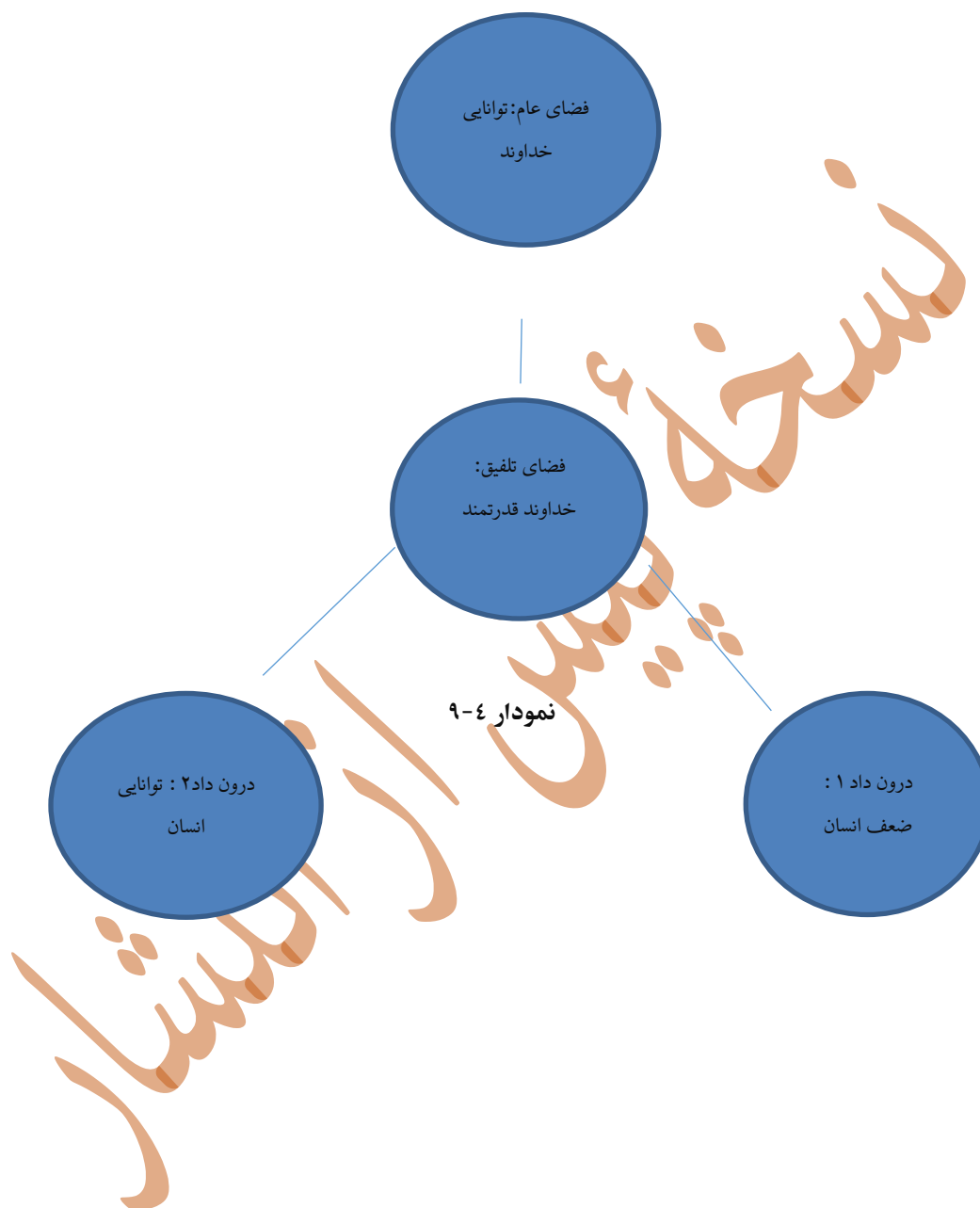
در این آیه، مفهوم ضعف و ناتوانی با یکدیگر تلفیق شده‌اند و این تبدیل و تحول، خواننده را شگفت‌زده می‌کند. در واقع، فضای ذهنی حاکم در اینجا، توانایی مطلق خداوند بر انجام هر عملی است که به‌عنوان فضای عام مطرح می‌شود.

تحلیل فضاها:

درونداد اول: ضعف و ناتوانی انسان در ابتدای حیات و انتهای آن

درونداد دوم: توانایی و قدرت انسان در برهه میانی حیات

فضای تلفیق: فضای تلفیقی مستخرج از این آیات، بر محور خداوند متعال است که همواره قوی و مقتدر است و حالات مختلف انسان را تدبیر و تغییر می‌دهد. بنابراین، هر دو حالت ضعف و قوت انسان، نشانه‌ای از قدرت لایزال الهی هستند و آیه درصدد بیان آفرینش خاص انسان است که جلوه‌ای از قدرت خداوند را به نمایش می‌گذارد.



۱-۴-۹ شبکه تلفیقی تک منظر

در این نمونه دو فضای درونداد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از دروندادها مربوط به ضعف انسان و چارچوب درونداد دیگر توانایی انسان است) دارند اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار نرفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی تک منظر است.

دلیل اصلی اینکه این آیه شبکه دو منظر نیست، این است که تمام فضاهای مفهومی مطرح شده در آیه: (ضعف اولیه، قدرت میانسالی، ضعف پیری) در یک دامنه مفهومی واحد قرار دارند. دامنه واحد: چرخه حیات انسان و مراحل رشد و زوال جسمانی این آیه صرفاً مراحل مختلف یک فرآیند طبیعی و فیزیولوژیکی (رشد و پیری) را توصیف می‌کند.

۵-۹- در بیان حالات اخروی صالحان و گناهکاران

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا / وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَأْتُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا «تا خدا راستگویان را به [پاداش] راستی‌شان پاداش دهد و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا بر ایشان ببخشد که خدا همواره آمرزنده مهربان است / و خداوند آنان را که کفر ورزیده‌اند بی‌آنکه به مالی رسیده باشند به غیظ [و حسرت] برگرداند و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت و خدا همواره نیرومند شکست‌ناپذیر است». (احزاب، ۲۴-۲۵)

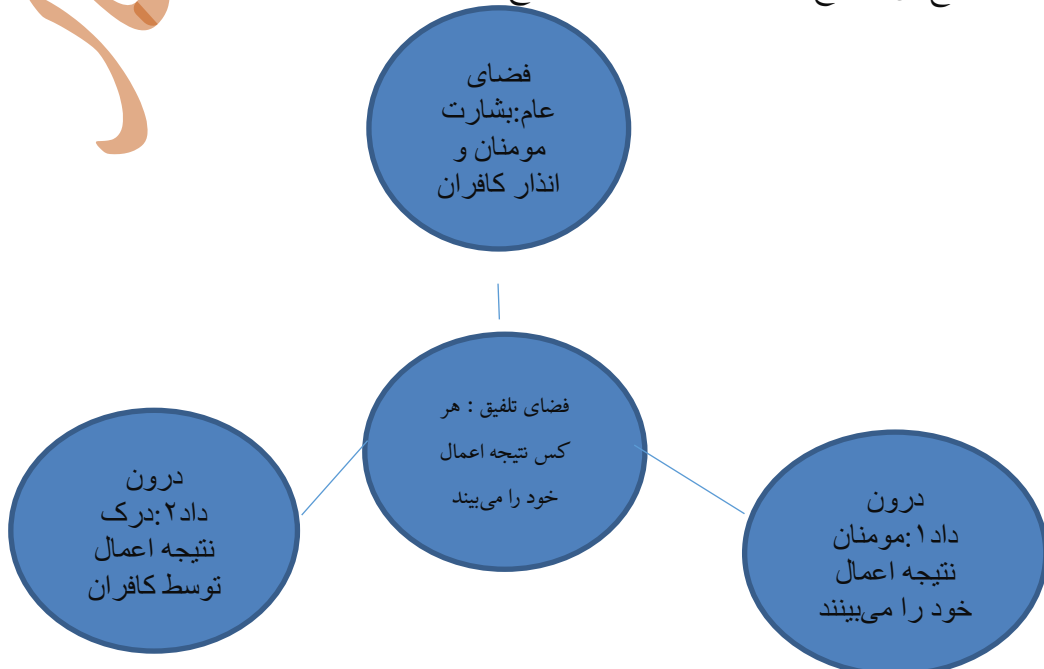
در این آیات دو فضا با هم مطرح شده است که یکی متعلق به مومنان و راستگویان و دیگری متعلق به منافقین و کافران است. فضای ذهنی راستگویان با پاداش نیک همراه است و فضای ذهنی منافقین با عذاب همراه است. همچنین در آیه بعدی فضای مربوط به کافران به گونه‌ای که دچار حسرت شده‌اند و فضای مربوط به مومنان به گونه‌ای که در رفاه و رحمت و آسایش قرار دارند به تصویر کشیده شده است. فضا سازی حاکم در این آیه به شرح زیر است:

فضای عام: بشارت مومنان و انداز کافران

دورن داد اول: راستگویان و مومنان نتیجه نیکی خود را که پاداش و آسایش است می‌بینند.

دورن داد دوم: کافران و منافقین نتیجه اعمال و بدی خود را که حسرت و عذاب است را درک می‌کنند.

فضای تلفیقی: اعمال انسان‌ها به طور حساب شده به سوی مجازاتی مشخص سوق داده می‌شود و هر کس نتیجه اعمال خود را می‌بیند. در واقع این موضوع به طور مشترک برای آنها مطرح است.



۱-۵-۹ شبکه تلفیقی دو منظر

در این نمونه مورد بررسی، دو فضای درونداد دارای چارچوب‌های معنایی مجزا و متمایزی هستند؛ به گونه‌ای که چارچوب یکی از دروندادها مربوط به درک اعمال و رفتارهای مؤمنان است و چارچوب درونداد دیگر به درک اعمال کافران اختصاص دارد.

نکته حائز اهمیت این است که هر دو این چارچوب‌های متمایز، در ساخت و شکل‌گیری فضای تلفیقی به کار رفته‌اند. بنابراین، این مورد خاص را می‌توان به عنوان یک تلفیق دو منظره‌ای یا تلفیق با حضور همزمان دو دیدگاه متفاوت طبقه‌بندی و تحلیل کرد.

۶-۹- تشریح و بیان پیچیدگی با استفاده از تشبیه و استعاره

یکی از کارکردهای تلفیق مفهومی فراهم آوردن نگاهی کلی و فراگیر است که با کاهش دادن امور پیچیده و نزدیک کردن آنها به مقیاس بشری انجام می‌شود (قائمی نیا: ۱۳۹۶، ص ۱۱۴). تشبیه و استعاره دو فن از مهمترین فنون بلاغی در بخش بیان است که هدف آن شرح پیچیدگی‌ها با استفاده از یک مفهوم دیگر است. در قرآن کریم گاهی در بیان تشبیه چنان بر جزئیات امور دقت می‌شود که فضایی ایجاد می‌شود که شنونده با تجسم و تصور، موضوع را به صورت واضح درک کند. در این موارد تمام جزئیات دو فضای دروندادی با هم ممزوج شده و در فضای آمیخته نمایان می‌شوند. این شکل از تلفیق‌ها معمولاً در تشبیه بیشتر مشاهده می‌شوند، زیرا تشبیه دو عنصر را با تکیه بر بسط به عنوان یکی دیگر از عناصر نظریه تلفیق مفهومی در کنار هم قرار می‌دهد و برای درک معنای کامل آیه باید هر دو معنا را با هم در نظر گرفت.

خداوند در آیات مختلفی از جزء بیست و یکم از تلفیق مفهومی بهره گرفته است و گاهی برای تبیین روابط مختلف مادی و معنوی از تشبیه به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد تلفیق بهره گرفته است که از جمله آنها آیه زیر از سوره عنکبوت است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت ۶) ترجمه: «این زندگی دنیا جزء سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می‌دانستند»^۱.

خداوند در این آیه شریفه از تلفیق مفهومی بهره گرفته است. برای رسیدن به نگرش نوظهوری که بواسطه تلفیق مفهومی به دست می‌آید ابتدا باید دو فضای دروندادی را مد نظر قرار داد. فضای درونداد اول زندگی دنیوی با تمام ویژگی‌های آن است و مردمانی که در این دنیا به زندگی و انجام امورات مختلف مشغولند. درونداد دیگر و دوم این آیه فضایی است که در آن کودکان به لهو و لعب و بازی می‌پردازند و بازی‌های آنها با همه جذابیت زود تمام می‌شود و همیشگی نیست. خداوند از تلفیق میان این دو درونداد، فضای سوم را ساخته است و آن فضا دنیای فریبده و زودگذر است. به دیگر سخن در این آیه بازی و زمین بازی به فضایی عام و فضای ذهنی دنیا و زودگذر بودن آن به عنوان درونداد اول و فضای ذهنی بازی و لهو و لعب کودکان به عنوان درونداد دوم برای شبکه تلفیق در نظر گرفته شده است. گویی دنیا بدلیل شدت زودگذر بودن و فرینگی‌اش خاصیتی به مانند بازی‌های کودکان از خود بروز می‌دهد و این حالت و صحنه‌ها دال بر تلفیقی است که حاصل دو درونداد است و حکایت از ویژگی دنیا و توصیه به عدم وابستگی به آن دارد. به گفته مفسران: «کلمه لهو، به معنای هر چیز و هر کار بیهوده‌ای است که انسان را از کار مهم و مفیدش باز بدارد، و به خود مشغول سازد، بنا بر این یکی از مصادیق لهو، زندگی مادی دنیاست، برای اینکه آدمی را با زرق و برق خود و آرایش فانی و فریبده خود از زندگی باقی و دائمی

^۱. ترجمه‌های فارسی آیات قرآنی در این پژوهش از ترجمه فولادوند استخراج شده است.

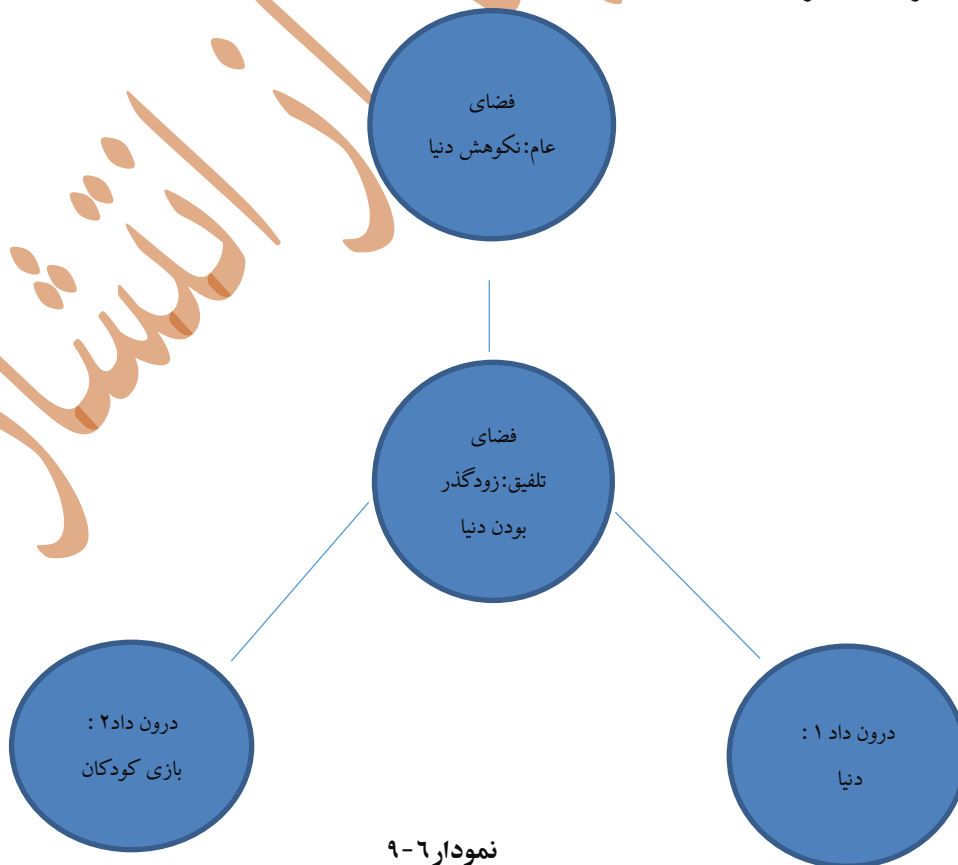
بازمی‌دارد، و به خود مشغول و سرگرم می‌کند. و کلمه "لعب" به معنای کار و یا کارهای منظمی است با نظم خیالی و برای غرض خیالی مثل بازی‌های بچه‌ها، زندگی دنیا همان طور که به اعتباری لهو است، همین طور لعب نیز هست، برای اینکه فانی و زودگذر است، همچنان که بازی‌ها این طوراند، عده‌ای بچه با حرص و شور و هیجان عجیبی يك بازی را شروع می‌کنند، و خیلی زود از آن سیر شده و از هم جدا می‌شوند. و نیز همان طور که بچه‌ها بر سر بازی داد و فریاد راه می‌اندازند، و پنجه بر روی هم می‌کشند، با اینکه آنچه بر سر آن نزاع می‌کنند جزء وهم و خیال چیزی نیست، مردم نیز بر سر امور دنیوی با یکدیگر می‌جنگند، با اینکه آنچه این ستمگران بر سر آن تکالب می‌کنند، از قبیل اموال، همسران، فرزندان، مناصب، مقام‌ها، ریاست‌ها، مولویت‌ها، خدمتگزاران، یاران، و امثال آن چیزی جزء اوهام نیستند، و در حقیقت سرایی هستند که از دور آب به نظر می‌رسد، و انسان منافع مذکور را مالک نمی‌شود، مگر در ظرف وهم و خیال» (طباطبایی، ۱۳۸۷؛ ج ۱۶: ص ۲۲۴).

بنابراین این آیه از تشبیه بلیغ بیان معنای خود بهره گرفته است و در یک سوی آن دنیا و در سوی دیگر آن لهو و لعب قرار دارند و دو مفهوم مورد نظر با هم تلفیق شده‌اند. به طور کلی، فضاهای موجود در این آیه شریفه به شرح زیر است:

فضای عام: نكوهش دنیا و افشای فریبندگی‌اش
 درون داد اول: دنیا و آنچه مربوط به امور دنیوی است

درون داد دوم: بازی کودکان و آنچه کودکان در زمین بازی انجام می‌دهند

فضای تلفیق: دنیا به مانند بازی کودکان زودگذر است و نمی‌توان به آن دل بست و به دنیا امیدوار بود. خداوند از فضای موجود در بازی کودکان برای ترسیم ماهیت دنیا استفاده کرده است و در واقع برای توضیح و شرح قلمرو دنیا از ویژگی‌های قلمرویی دیگر کمک گرفته است.



۱-۶-۹ شبکه تلفیقی تک منظر

در این نمونه دو فضای درونداد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از دروندادها مربوط به دنیا و چارچوب درونداد دیگر بازی کودکان است) دارند و هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار نرفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی تک منظر است.

۲-۶-۹ نقش بسط و فشردگی در آیه ۶۴ سوره عنکبوت:

در نظریه تلفیق مفهومی «بسط»^۱ یک سازوکار حیاتی است که نقش محوری در درک، گسترش و غنای معنایی تشبیه، چه به صورت کامل و چه بلیغ، ایفا می‌کند. نظریه تلفیق مفهومی معتقد است که هنگام درک تشبیه، ذهن ما دو فضای ذهنی را فعال می‌کند: فضای مبدأ که مشبه به از آن می‌آید، و فضای هدف که مشبه به آن تعلق دارد. این دو فضا در یک فضای تلفیقی ترکیب می‌شوند.

نقش «بسط» در این فرآیند عبارت است از:

۱- تولید معنای نوظهور

مهم‌ترین نقش بسط این است که معنایی تولید می‌کند که در هیچ کدام از فضاهای ورودی به تنهایی وجود نداشته است. ذهن مخاطب با بسط این مفهوم، نتیجه می‌گیرد که تلاش‌های جدی و نزاع‌های انسان‌ها بر سر مال، مقام و قدرت در دنیا، دقیقاً مانند دعوای کودکان بر سر اشیاء بی‌ارزش در یک بازی است. این معنای «بی‌ارزشی غایات دنیوی در چشم‌انداز ابدیت» یک معنای نوظهور است که از بسط تشبیه «العَب» حاصل می‌شود.

۲- پویایی و غنای بلاغی: بسط باعث می‌شود تشبیه ثابت و ایستا نباشد، بلکه به یک فرآیند پویا تبدیل شود. ذهن مخاطب با استفاده از دانش پس‌زمینه‌ای خود، تشبیه را فراتر از آنچه در جمله آمده است، گسترش می‌دهد. این گسترش ذهنی باعث فعال شدن شبکه‌های معنایی متعدد می‌شود که به غنای ادبی و تأثیر عاطفی تشبیه می‌افزاید. در این آیه بسط باعث می‌شود مخاطب دائماً بین دو چشم‌انداز حرکت کند: چشم‌انداز کسی که درگیر بازی دنیاست و آن را جدی می‌پندارد، و چشم‌انداز ناظری که پوچی آن را می‌بیند. این حرکت ذهنی پویایی بلاغی ایجاد می‌کند.

۳- هدایت درک و تفسیر: بسط به عنوان یک سازوکار شناختی، ابهامات احتمالی تشبیه را کاهش داده و تفسیر را هدایت می‌کند. با بسط دادن ویژگی‌های مشترک و ایجاد نگاشت‌های منسجم بین دو فضا، ذهن مخاطب از میان تفاسیر ممکن، مرتبط‌ترین و منطقی‌ترین معنا را برای تشبیه انتخاب می‌کند و مقصود گوینده را بهتر درک می‌کند.

در آیه ۶۴ عنکبوت: بسط به عنوان یک فیلتر شناختی عمل می‌کند که تفسیر مخاطب را هدایت و کنترل می‌کند. این فرآیند مانع از تفاسیر نادرست و بی‌ربط می‌شود و تضمین می‌کند که معنای مورد نظر متن مقدس یعنی درک بی‌ارزشی دنیا در مقایسه با حیات حقیقی آخرت به صورت مؤثر و قاطعانه به ذهن منتقل شود.

«فشردگی»^۲ در نظریه تلفیق مفهومی به معنای تبدیل روابط انتزاعی و پراکنده در زمان و مکان به روابط عینی، ملموس و یکپارچه در فضای تلفیقی است این فشردگی، انتزاعی‌ترین مفهوم (گذر زمان زندگی انسان‌ها) را به عینی‌ترین مفهوم (یک بازی مشخص و محدود) تبدیل می‌کند.

^۱Elaboration

^۲Compression

در آیه ۶۴ عنکبوت، فشردگی باعث می‌شود که پیچیدگی‌ها و روابط انتزاعی زندگی بشر در قالب تصاویر ساده، عینی و ملموس (بازی و حیات محض) درآیند. این فشردگی کارایی شناختی آیه را افزایش داده و قدرت بلاغی آن را برای رساندن پیام الهی درباره بی‌اعتباری دنیا و اهمیت آخرت تضمین می‌کند.

(Gilles Fauconnier & Mark Turner, 2002, p.300)

نتیجه گیری

خداوند در بخشی از آیات اموری را مطرح کرده که به ظاهر غیر عادی و با منطق بشری هماهنگ نیست، در این آیات عناصری متضاد مبتنی بر اصل تقابل مطرح شده است که با تکیه بر تلفیق مفهومی می‌توان تناسب و امکان چنین مفاهیمی را درک کرد. در واقع با تکیه بر تلفیق مفهومی می‌توان فهمید که این تعابیر در تضاد با هم قرار ندارند و هر یک دیگری را تکمیل می‌کند. مفاهیمی چون زنده کردن مردگان، اعتقاد به وجود جهان آخرت به در جزء مورد بحث به شیوه تلفیق مفهومی قابل فهم است.

با دقت در ۳۸ آیه بررسی شده آشکار می‌گردد که تلفیق مفهومی از نوع «تک‌منظر» با بیشترین بسامد (۲۸ مورد) و «دو منظر» با ۸ مورد، در جزء ۲۱ قرآن کریم بیشترین نمود را داشته‌اند. این نوع شبکه‌های تلفیق دارای بیشترین خلاقیت و میزان پیچیدگی هستند. از آنجایی که در ساخت تلفیق دو منظر، هر دو درون‌داد (یعنی هم حوزه‌ی عینی یا تجربی و هم حوزه‌ی انتزاعی) در شکل دهی تلفیق نقش اساسی دارند و نیز معنای نوظهوری که در فضای تلفیق پدید می‌آید، در مجموع باعث پیچیدگی عنوان و درک دشوارتر آن می‌شود، این امر در نهایت به فزونی بلاغت متن می‌انجامد.

نظریه تلفیق مفهومی در بخشی از آیاتی که در جواب اعتقادات کافران و مشرکان نازل شده قابل مشاهده و بررسی است. خداوند در این آیات ابتدا عقاید کافران را بیان کرده و سپس با بیان عقاید راستین الهی به اثبات دروغ بودن پندار کافران مبادرت کرده است. در واقع در این آیات فضایی تلفیقی مبتنی بر تضاد شکل گرفته است که نشانگر انطباق هر دو ایده و سپس تلفیق آنها برای دقیق نشان دادن حقانیت یک عقیده در کنار باطل بودن عقیده دیگر است.

خداوند متعال بخش اعظمی از آیات جزء بیست و یکم قرآن کریم را به بیان روابط و حالات گوناگون انسان در ارتباط با مسائل مهم اجتماعی و الهی اختصاص داده و به تبیین این روابط پرداخته است. این روابط گاهی مسائل ضد و نقیض را مطرح نموده و به جدال انسان‌ها و حالات متناقض ایشان پرداخته است که با تکیه بر مفهوم «تلفیق مفهومی» قابل درک و تحلیل است. این امر شامل انسان‌هایی است که در وضعیت‌های متضادی چون استکبار و ضعف، ظلم و عدالت، نیکی و بدی و غیره قرار دارند. آیاتی که به این شکل از روابط بشری می‌پردازند، با اتکا به نظریه‌ی تلفیق مفهومی قابل تحلیل هستند؛ بدین صورت که حالت‌های مختلف یکدیگر را نقض کرده و در نهایت یک حالت خاص را اثبات می‌نمایند.

تلفیق مفهومی در بخشی از آیات قرآنی که مربوط به آفرینش انسان و جهان است به کار رفته است و خداوند برای تحلیل نحوه و فرایند آفرینش و بیان شکل خلقت از تلفیق مفهومی بهره گرفته است. آفرینش شگفت‌انگیز جهان و مخلوقات با عناصری به ظاهر عادی برای انسان قابل فهم نیست و با تکیه بر تلفیق مفهومی می‌تواند

تناسب میان این عناصر را درک کرد. برخی از آیات پیرامون تصور انسان درباره خلقت انسان و جهان است و خداوند با بیان عقاید متناقض در این رابطه به شرح فرایند خلقت پرداخته است.

حالات اخروی صالحان و تبهکاران در قرآن با بیان حالت‌های متناقض همراه بوده است و خداوند از حالت‌های مختلفی که این گروه تجربه می‌کنند سخن گفته است. صحنه‌های انداز و بشارت که با چیدمان صحنه‌های موازی در صدد اثبات فضای مورد نظر الهی است. مباحثی نظیر مجازات قوم کافران در کنار پاداش قوم صالحان و همچنین بیان عواملی که در میان آنها نتیجه عکس داده سبب تلفیق مفهومی در بیان این موضوعات شده است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان از هر گونه جعل و سرقت علمی و هر گونه سوءرفتار پژوهشی اجتناب کرده و اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید آنهاست.

مشارکت نویسندگان

این مقاله مستخرج از رساله دکتری بابک مرادی است که احمد امید علی راهنمایی و سید ابوالفضل سجادی و ابراهیم اناری بزرگویی مشاوره آن را به عهده داشته‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که در نگارش این مقاله هیچ گونه تعارض منافع ندارند.

حامی مالی

این مقاله هیچ کمک مالی از نهادهای تأمین مالی در بخشهای دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس مقاله بابت نظرات تخصصی آنها سپاسگزاری می‌کنند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۳ش)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج الفصاحه، (۱۳۸۷ش)، تحقیق غلامحسین مجیدی، قم: انصاریان.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۰ش)، ترجمه محمد دشتی، تهران: اوج علم.
۱. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ ق) **التحریر والتنوير**، بیروت: فرهنگ نو.
 ۲. بیات، حسین؛ قائمی، مرتضی؛ ضیغمی، علی (۱۴۰۳ ش)، معنانشناسی حالات اخروی صالحان و گنهکاران در نیمه نخست قرآن براساس نظریه تلفیق مفهومی [1022034/sshq.2023.414246.1359](https://doi.org/10.22034/sshq.2023.414246.1359) **مطالعات سبک شناختی قرآن کریم**، ۸(۲)، ۷۲-۹۷.
 ۳. پاکتچی، احمد (۱۳۸۷ ش)، **آشنایی با مکاتب معنانشناسی معاصر**، سال نهم: نامه پژوهش فرهنگی.
 ۴. رازی ابوالفتح، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 ۵. راسخ مهند، محمد، (۱۳۸۹ ش)، **درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی**، تهران: سمت.
 ۶. سلطانی، رضا، (۱۳۹۱ ش)، **رویکردی شناختی به چند معنایی در افعال حرکتی زبان فارسی**، (استاد راهنما محمد عموزاده) پایان نامه ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان‌های خارجی، گروه زبان‌شناسی.
 ۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۲۱ ق)، **الإتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الکتب العربی.
 ۸. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳ ش)، **تفسیر اثنی عشری**، ۱۴ جلد، تهران: میقات.
 ۹. صابونی، محمد علی، (۱۴۲۱ ق)، **صفوة التفاسیر**، بیروت: دار الفکر.
 ۱۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۷ ش)، **ترجمه تفسیر المیزان**، تهران: اسلامی.
 ۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصرخسرو.
 ۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، **العین**، قم: مؤسسه دار الهجرة.
 ۱۳. فروغ، پارسا، (۱۴۰۰ ش)، **معنانشناسی و مطالعات قرآنی**، تهران: نگارستان اندیشه.
 ۱۴. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۶ ش)، **استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۵. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۰ ش)، **معنانشناسی شناختی قرآن کریم**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۵ ش)، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۷. نویدی باغی، سکینه؛ ایزانلو، علی؛ قائمی نیا، علیرضا؛ آزاد علیرضا (۱۴۰۰ ش)، تحلیل مفهومی واژه نور در قرآن بر پایه الگوهای شناختی استعاره مفهومی و استعاره زنجیری دو نگاشتی، **علوم قرآن و حدیث**، ۵۳(۲)، ۳۱-۵۸ [10.22067/JQURAN.2021.61530.0](https://doi.org/10.22067/JQURAN.2021.61530.0)
 ۱۸. الهاشمی بک، احمد، (۱۳۷۳ ش)، **جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع**، بیروت: مکتبة المصطفوی.

References

The Holy Qur'an. (1373 Sh.). Translated by Mohammad Mahdi Fooladvand. Tehran: Office for Studies on Islamic History and Knowledge. [in Persian]

Nahj al-Fasahah. (1387 Sh.). Edited by Gholamhossein Majidi. Qom: Ansarian Publications [in Persian]

Nahj al-Balagha. (1380 Sh.). Translated by Mohammad Dashti. Tehran: Owj-e Elm Publications.

1. Ibn 'Ashur, Muhammad al-Tahir. (1420 AH). Al-Tahrir wa al-Tanwir. Beirut: Farhang-e No Publications. [In Arabic].

2. Bayat, Hossein; Qaemi, Morteza; Zeyghami, Ali. (1403 Sh.). "The Semantics of the Eschatological States of the Righteous and the Wicked in the First Half of the Qur'an Based on Conceptual Blending Theory." Qur'anic Stylistics Studies, 8(2), 72-97 [10.22034/sshq.2023.414246.1359](https://doi.org/10.22034/sshq.2023.414246.1359)

3. Paktchi, Ahmad. (1387 Sh.). An Introduction to Contemporary Schools of Semantics. Cultural Research Letter, Year 9. [in Persian]

4. Abu al-Fotuh Razi, Husayn ibn 'Ali. (1408 AH). Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Arabic]

5. Rasekh-Mahand, Mohammad. (1389 Sh.). An Introduction to Cognitive Linguistics. Tehran: SAMT Publications. [in Persian]

6. Soltani, Reza. (1391 Sh.). A Cognitive Approach to Polysemy in Persian Motion Verbs. Master's Thesis, supervised by Mohammad Amouzadeh. University of Isfahan, Faculty of Foreign Languages, Department of Linguistics

7. Al-Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1421 AH). Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]

8. Shah Abd al-Azimi, Husayn. (1363 Sh.). Tafsir Ithna 'Ashari (14 vols.). Tehran: Miqat Publications

9. Al-Sabuni, Mohammad Ali. (1421 AH). Safwat al-Tafasir. Beirut: Dar al-Fikr.

10. Tabataba'i, Mohammad Hossein. (1387 Sh.). Translation of Tafsir al-Mizan. Tehran: Islami Publications.
11. Al-Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1372 Sh.). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Naser Khosrow Publications.
12. Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1409 AH). Kitab al-'Ayn. Qom: Dar al-Hijrah Institute.
13. Forough, Parsa. (1400 Sh.). Semantics and Qur'anic Studies. Tehran: Negarestan-e Andisheh Publications
14. Qaemi-Nia, Alireza. (1396 Sh.). Conceptual Metaphors and the Cognitive Spaces of the Qur'an. Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought
15. Qaemi-Nia, Alireza. (1390 Sh.). Cognitive Semantics of the Holy Qur'an. Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought
16. Qomi Mashhadi, Mohammad ibn Mohammad Reza. (1365 Sh.). Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
17. Navidi Baghi, Sakineh; Izanloo, Ali; Qaemi-Nia, Alireza; Azad, Alireza. (1400 Sh.). "Conceptual Analysis of the Word 'Light' in the Qur'an Based on Cognitive Models of Conceptual Metaphor and Two-Mapping Chain Metaphor." Journal of Qur'anic and Hadith Studies, 53(2), 31-58 [10.22067/IJOURAN.2021.61530.0](https://doi.org/10.22067/IJOURAN.2021.61530.0)
18. Al-Hashimi Bek, Ahmad. (1373 Sh.). Jawahir al-Balagha fi al-Ma'ani wa al-Bayan wa al-Badi'. Beirut: Al-Mustafawi Library. [In Arabic]
19. Evans V & mehane g (2006) cognitive Linguistics an Introduction Edinburgh: Edinburgh Press U
20. Gilles Fauconnier and Mark Turner(2002) *The Way We Think*
21. Seana Coulson(2001) *Semantic Leaps: Frame-shifting and Conceptual Blending in Meaning Construction*.
22. Saeed, John I , Chichester, (2016) *Semantics*, (4th edition), West Sussex, UK: Wiley-Blackwell.